

مجلة

كلية التراث الجامعة

مجلة علمية محكمة

متعددة التخصصات نصف سنوية

العدد الثالث والثلاثون

عدد خاص بوقائع المؤتمر العلمي السنوي الرابع عشر (الدولي الثالث)

27 آذار 2022

ISSN 2074-5621

رئيس هيئة التحرير

أ. د. جعفر جابر جواد

نائب رئيس هيئة التحرير

أ. م. د. نذير عباس إبراهيم

مدير التحرير

أ. م. د. حيدر محمود سلمان

رقم الايداع في دار الكتب والوثائق 719 لسنة 2011

مجلة كلية التراث الجامعة معترف بها من قبل وزارة التعليم العالي والبحث العلمي بكتابها المرقم
(ب 3059/4) والمؤرخ في (2014/ 4/7)



دنیا و دنیاداری در شعر پروین اعتصامی

م. حسین علی عباس

دانشگاه بغداد - دانشکده زبان - گروه زبان و ادبیات فارسی

چکیده

شعر فارسی را شعر تعلیم و پند و اندرز می‌دانند. این باور نشان‌دهنده حضور پررنگ تعلیم و ادبیات تعلیمی در ادبیات فارسی است. مطالعه شعر پروین اعتصامی؛ شاعر معاصر ایرانی نشان می‌دهد که مهم‌ترین ویژگی اشعار او، تعلیمی و حکمی بودن آن است و بخش قابل‌توجهی از شعر او به نکوهش «دنیا» اختصاص دارد. پروین دنیا را با اسم‌ها و صفات‌های گوناگونی خطاب قرار می‌دهد. نیز در ابیاتی به «دنیاداری» می‌پردازد. او در این ابیات بر دنیاداران و کنش‌های ایشان تمرکز کرده و اعمال ایشان را نکوهش می‌کند.

این پژوهش نشان می‌دهد که شعر پروین اعتصامی با رویکردی تعلیمی و اخلاقی بر بی‌مهری دنیا تأکید دارد و مخاطب را به دل‌نبستن به دنیا و دوری از دنیاداری و دنیادوستی و آز و زیاده‌خواهی فرامی‌خواند.

کلید واژه‌ها

پروین اعتصامی، ادبیات تعلیمی، دنیا، دنیاداری، شعر تعلیمی.

Abstract

Persian poetry is usually described as the poetry of education and advice; a feature which indicates the strong presence of education and educational literature in the contemporary Persian literature. Reading the poetry of Barwin Ietisami, the contemporary Persian poetess, we will find that its most important characteristic is that it is educational and proverbial, as blaming life takes the major part of her poetry. Barwin gives life various names and qualities. In some lines, she follows the life's affairs, focusing on those who are fond of this earthly life and their deeds, and criticizes their deeds.

This study shows that the poetry of this poetess underlines the disloyalty of this life in an immoral educational approach. Her poetry urges the reader not to love this earthly life and to abandon it and abandon greed.

Keywords: Barwin Ietisami, educational literature, life, love of earthly life



الملخص:

يُعرف الشعر الفارسيّ بشعر التعليم والنصيحة؛ ما يدلّ على مدى الحضور القويّ للتعليم والأدب التعليميّ في الأدب الفارسيّ المعاصر. وترينا مطالعة شعر الشاعرة الفارسيّة المعاصرة بروين اعتصامي أن أهم ميزة شعرها هي كونه تعليمياً وحكماً، حيث تحلّل لومة الدنيا قسماً كبيراً من شعرها. فتسمي بروين الدنيا بأسماء وصفات مختلفة، كما تتطرّق في أبيات إلى متابعة شؤون الدنيا مركّزة على الدنيويين وأفعالهم، فتلوم أعمالهم. ويظهر هذا البحث أن شعر الشاعرة يؤكد على عدم وفاء الدنيا بمنحى تعليمي خلقيّ، إذ يدعو القارئ إلى عدم حب الدنيا، بل الابتعاد عنها وعن الحرص والطمع فيها. الكلمات المفتاحية: بروين اعتصامي، الأدب التعليميّ، الدنيا، حب الدنيا.

بیان مسئله

ادبیات در گذرگاه‌های هراس و گرفتاری‌های تاریخی همواره یاری‌گر اجتماع و مردم بوده است. یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین اقسام شعر در ادبیات فارسی، شعر تعلیمی است. شعر تعلیمی، شعری است که قصد گوینده و سراینده آن تعلیم و آموزش و ارتباط عمیق با اندیشه جهت بیان درون‌مایه‌هایی در راستای اخلاق است. دیوان پروین اعتصامی سرشار از مبانی تعلیمی و اخلاقی است. مسئله اصلی ما در این پژوهش آن است که پروین اعتصامی به دنیا چگونه نگرسته است و دنیاداران در شعر او چگونه جلو‌نگری کرده‌اند؟ اهمیت و ضرورت مسئله

مطالعه گونه‌های مختلف ادبیات فارسی و شناخت آثار ادبی از نظرگاه این گونه‌ها، همچون دریچه‌ای است که ما را به درک درست و فهم آثار رهنمون می‌سازد. بسیاری از محققان، ادبیات تعلیمی را در متون کلاسیک ما بررسی کرده‌اند اما پرداخت جزئی‌نگرانه به مباحث و مفاهیم گوناگون اخلاقی در شعر معاصر، به شناخت بیشتر تفکر و جهان‌بینی شاعران معاصر و تأثیر آنها بر جامعه منجر خواهد شد.

عوامل مذکور نگارنده را بر آن داشت تا با دقت بیشتری به بررسی و مطالعه دیوان پروین اعتصامی بپردازد.

نوع پژوهش

این پژوهش در حوزه پژوهش‌های کتابخانه‌ای و توصیفی، تحلیلی می‌گنجد و نگارنده می‌کوشد پس از مطالعه و گردآوری و استخراج ابیات موردنظر از دیوان پروین اعتصامی نیز مطالعه تحقیقات پژوهشگران آنها را طبقه‌بندی، تبیین و تحلیل نماید.

پیشینه پژوهش

تا کنون مقالات و پژوهش‌های متعددی درباره پروین اعتصامی نوشته شده است. اما پژوهشی که به طور مشخص به موضوع «دنیا و دنیاداری در شعر پروین اعتصامی» بپردازد، نوشته نشده است.

1 - مقدمه

«ادبیات هر ملت آینه‌ای از تفکرات، اندیشه‌ها، فرهنگ و آداب و رسوم آن ملت است که با زبانی هنری به بهترین شکل و در انواع مختلفی بیان شده است. آثار ادبی از نظر شکل و محتوا و براساس ویژگی‌ها و تفاوت‌های خود، در دسته‌های گوناگونی قرار می‌گیرد. با وجود این، برخی از شاهکارهای ادبی ملت‌ها تلفیقی از چند نوع ادبی است و نمی‌توان آن را در یک گروه خاص طبقه‌بندی کرد.» (شمیسا، 1383: 27).

ادبیات متعهد همواره یکی از موضوعات محوری و بنیادی در میان نظریه پردازان بوده است. آنها بر این باورند که چرا باید هنر و ادبیات در خدمت رشد و تعالی جامعه باشد.

مهم‌ترین بخش از ادبیات متعهد هر زبان و ملتی را باید ادب تعلیمی آن دانست. اگرچه در شاخه‌های دیگر نیز نمی‌توان وجود چنین خصوصیتی را نادیده گرفت، ولی بروز و ظهور آشکار و گسترده آن در حوزه ادب تعلیمی است. آثار تعلیمی در حوزه ادبیات خود دارای تقسیم‌بندی‌هایی هستند. موحد ادبیات و به ویژه شعر تعلیمی را دارای دو بخش متفاوت می‌داند.



منظور از شعر تعلیمی در ادبیات جهان دو نوع شعر است. شعر دیدکتیک (تعلیمی) هم به شعری اطلاق می‌شود که فن، حرفه، هنر و یا آداب خاصی را آموزش می‌دهد و هم به شعری که ما بدان اخلاقی می‌گوییم. از این رو بهتر است این اصطلاح را به «شعر آموزشی پندآموز» ترجمه کنیم تا هر دو اطلاق را در بر گیرد (موحد، 1377: 71).

شعر تعلیمی جایگاهی والا در ادبیات فارسی دارد و بسیاری بر این باورند که «شعر فارسی شعر پندها و اندرزه‌هاست. همچون راهی است که انسان را به تعالی و بزرگی می‌رساند» (فخرالاسلام، 1385: 80). در ادبیات تعلیمی بسیاری از مباحث اخلاقی مطرح می‌شود. یکی از مباحث دنیا و نگرش و تلقی شاعر به دنیا است.

لغت‌نامه دهخدا؛ «دنیا» را مشتق از دو لغت دانسته و بر اساس این دو اشتقاق آن را این‌گونه تعریف کرده است: «الف) دنیا مشتق از دنو که به معنی غریب باشد. ب) دنیا مشتق از دنائت که به معنی ناکسی و زیونی است» (لغت‌نامه دهخدا، ذیل کلمه دنیا)

غزالی در کیمیای سعادت در تعریف دنیا گفته است: «دنیا و آخرت عبارت از دو حالت است؛ آنچه پیش از مرگ است و آن نزدیک‌تر است، آن را دنیا گویند و آنچه پس از مرگ، آن را آخرت گویند» (غزالی، 1355: 70).

شجاعی زند از نگاه دیگری به دنیا می‌نگرد و می‌نویسد: «دنیا از نگاه ادیان، طبیعت و جسمانیت و اکنونیت نیست، بلکه ایستایی و توقف در مادیت و منیت و موقعیت است.» (شجاعی زند، 1392: 90).

همچنین همراه با مبحث «دنیا» مبحث دیگری نیز همراه می‌شود و آن «دنیاداری» است. دهخدا «دنیاداری» را دنیاپرستی و دنیا دوستی دانسته است.

پروین اعتصامی (1285-1320) از شاعران توانی ادب فارسی است. «در تاریخ ادب فارسی در میان زنان سخنور شاعری یگانه است و پایگاه وی در شعر از بسیاری مردان شاعر نیز والاتر است.» (یوسفی، 1358: 413).

«پروین را اولین زن شاعر رسمی می‌دانند و آثار او نشان‌دهنده نفوذ اجتماع و بازتاب فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هاست» (قبادی و ابوترابی، 1387: 31).

صدرایی در باب شعر پروین می‌نویسد: «مهم‌ترین ویژگی اشعار پروین، تعلیمی بودن و حکمی بودن اشعار وی است» (صدرایی، 1395: 156).

در این مقاله برآنیم تا نگاه و تلقی پروین اعتصامی را از «دنیا» و «دنیاداری» بررسی کنیم.

2- دنیا و ویژگی‌های دنیا در شعر پروین اعتصامی

2-1 غم‌بار بودن دنیا

پروین در بیت زیر دنیا را با غم همراه کرده است. دنیا و غم در جهان‌بینی او توأمانند و نباید بیهوده غم دنیا را خورد. دعوت او به غم نخوردن اعتقاد و باور او به بی‌اعتباری دنیاست.

ای دل عبث مخور غم دنیا را
فکرت مکن نیامده فردا را

(اعتصامی، 1381: 51)

پروین در بیت زیر، دنیا را محنت‌گاه دانسته است. مکانی سرشار از غم و اندوه و کدام درد و محنت می‌زاید. خوشا به حال آن کس که در این دنیای محنت‌آلود، خاطری را تسکین می‌دهد.

خرم آن کس که در این محنت‌گاه
خاطری را سبب تسکین است

(اعتصامی، 1381: 87)

2-2 بی‌مهری دنیا

پروین «دنیا» را به اسامی گوناگونی می‌خواند و خطاب قرار می‌دهد و از آن می‌گوید. در اینجا او دنیا را «زمانه» خوانده و بر بی‌مهری آن تأکید کرده است.

بشکاف خاک را و ببین آنگه
بی‌مهری زمانه رسوا را

(اعتصامی، 1381: 51)

پروین در بیت زیر بر نامهربانی و بی‌مهری دنیا نظر دارد. دنیا را نامهربان می‌خواند که هیچ مهر و دلبستگی به پروردگان خود ندارد.

اگر صد قرن شاگردی کنی در مکتب گیتی
نیاموزی از این بی‌مهر، درس مهربانی را



(اعتصامي، 1381: 57)

پروین همچون گذشتگان و به تأثیر از ایشان، دنیا را عجزه بی‌شفقت می‌داند که هیچ مهربانی و دلسوزی در او نیست و به آدمی بخ چشم طعمه مرگ نگاه می‌کند.

این کوردل عجزه بی‌شفقت چون طعمه بهر گرگ اجل زادت

(اعتصامي، 1381: 60)

پروین در بیت زیر بر نامهربانی دنیا تأکید می‌کند. دنیا خریدار یکدلی و مهربانی و وفاداری نیست و آدمیزاد نباید انتظار چنین چیزهایی را از دنیا داشته باشد.

آنچه که دوران نخرد یکدلی‌ست آنچه که ایام ندارد وفاست

(اعتصامي، 1381: 61)

پروین دنیا را بی‌مهر و شفقت می‌داند. دنیا را دایه‌ای می‌داند که در گهواره آدمیان، مار می‌اندازد. او از غم‌خواری و پرستاری آدمیان بیزار است.

به گاهوار تو افعی نهفت دایه دهر مبرهن است که بیزار از این پرستاری‌ست

(اعتصامي، 1381: 91)

دنیا کارش بی‌مهری است و دل شکستن. هیچ دلسوزی و شفقتی در دنیا نیست و نباید به آن دل بست و انتظار مهربانی داشت.

زین شکسته شدن دلم بشکست کار ایام جز شکستن نیست

(اعتصامي، 1381: 101)

پروین گاه از دنیا به سپهر تعبیر کرده است و اینجا نیز از نامهربانی و سنگدلی دنیا می‌گوید و بی‌مهری دنیا را نزد همه معلوم و آشکار می‌داند.

ز مرگ و هستی ما چرخ را زیان نرسد سپهر سنگدل است، این سخن نهانی نیست

(اعتصامي، 1381: 104)

پروین در بیت زیر از بی‌مهری دنیا می‌گوید که دنیا سنگدل است و به افتادگان و نیازمندان کمتر نظر می‌کند و این عادت دیرین دنیاست.

چرخ را عادت دیرین این بود که به افتاده، نظر کمتر کرد

(اعتصامي، 1381: 116)

پروین در بیت زیر از بی‌مهری دنیا می‌گوید که آنچه گاه روی خوش آدمیان نشان می‌دهد اما هیچ رشته محبت و انسی را با آنها استوار نمی‌کند.

سپهر پیر بسی رشته محبت و انس گرفت و بست به هم، لیک استوار نکرد

(اعتصامي، 1381: 117)

پروین در بیت زیر از بی‌مهری دنیا می‌گوید و دنیا را طبیب دهر می‌داند که اگرچه آگاه به درد آدمیان است اما هیچ‌گاه به آنها نظری از روی مهر نمی‌افکند.

طبیب دهر، بسی دردمند داشت و لیک طبیب‌وار سوی هیچ‌یک گذار نکرد

(اعتصامي، 1381: 117)

دنیا بی‌مهر است و او را هیچ مهر و شفقتی به آدمیان نیست و همواره در پی دل آزردن و پژمردن آدمیان است و این راه و رسم دیرینه دنیاست.

ره و رسم گردون، دل آزرده است شکفته شدن، بهر پژمردن است

(اعتصامي، 1381: 290)

2 – 3 زودگذر بودن دنیا



او دنیا را سیال و روان و سریع خوانده است. چنان به سرعت می‌گذرد و عمر را با خود می‌برد که کسی را خبر نشود. همچنین در این رفتن و سرعت گرفتن، از سیه‌کاری دنیا نیز گفته است. از نگاه پروین این ویژگی‌هاست که سیه‌کاری دنیا را نمایان می‌کند.

در پرده، صد هزار سیه‌کاری‌ست این تندسیر، گنبد خضرا را

(اعتصامی، 1381: 51)

پروین، تعبیر تازه و زیبایی را برای دنیا به کار می‌برد و آن را «گذشتگه» می‌داند. باید از آن گذشت و به آن دل نسپرد. او همچون گذشتگان، دنیا را سرای سپنجی می‌داند و با این تعبیر، بر گذران بودن آن تأکید می‌کند. گذشتگه است این سرای سپنجی برو بازجو دولت جاودان را

(اعتصامی، 1381: 55)

پروین در بیت زیر به زودگذر بودن و حرکت سریع و تند اشاره می‌کند. دنیا چنان قدم‌هایی تندی برمی‌دارد که انگار عمر نفسی است و عمر هم شب است. او در اینجا به دنیا داران نیز اشاره می‌کند. آنها که از این دنیای زودگذر و تند، عمر جاودانی را طلب می‌کنند.

در آن مکان که جوانی دمی و عمر شبی‌ست به خیره می‌طلبی عمر جاودانی را

(اعتصامی، 1381: 56)

پروین در بیت زیر به زودگذر بود دنیا اشاره می‌کند، به بقا و دوامی که او را نیست و چنان سریع است که مثل برق می‌گذرد و در این میانه از عمر کاسته می‌شود.

ای دل بقا دوام و بقایی چنان نداشت ایام عمر، فرصت برق جهان نداشت

(اعتصامی، 1381: 108)

پروین در بیت زیر به زودگذر بودن دنیا اشاره می‌کند. آدمیان در این دنیا به قدر نفسی مقیم‌اند و می‌زیند و کسی بهره‌ای از دنیا نخواهد برد.

کس در جهان مقیم به جز یک نفس نبود کس بهره از زمانه به جز یک زمان نداشت

(اعتصامی، 1381: 108)

در بیت زیر پروین دنیا را کوچگاه می‌داند و در این تعبیر بر گذران بودن و موقتی بودن دنیا اشاره می‌کند. نباید از این منزلگاه موقت انتظار زندگی جاوید داشت.

زین کوچگاه، دولت جاوید هر که خواست الحق خبر ز زندگی جاودان نداشت

(اعتصامی، 1381: 108)

2- 4 بی‌وفایی دنیا

نمی‌توان به مهر و همراهی دنیا دل بست. او با آدمیزاد همراه نیست و همراهی نمی‌کند. پروین در این بیت دنیا را سرای عبرت دانسته است. به گذشتگان نظر کنیم و بدانیم که دنیا به آنها با آن همه جاه و شوکت وفا نکرد و بر دیگران نیز وفا نخواهد کرد.

پیوند او مجوی که گم کرده‌ست نوشیروان و هرمز و دارا را

(اعتصامی، 1381: 51)

پروین در بیت زیر از بدعهدی و بی‌وفایی دنیا می‌گوید که هیچ‌گاه عهد پایداری نمی‌بندد و به هیچ عهدی وفادار نخواهد ماند.

مشو چو وقت، که یک لحظه پایدار نماند مشو چو دهر، که یک عهد پایدار نکرد

(اعتصامی، 1381: 117)

2- 5 دام‌گستری دنیا

پروین گاه دنیا را دامی می‌داند برای گرفتاری آدمیان. و این دام آنچنان آراسته است که آدمی به آسانی گرفتار آن می‌شود و بهای این گرفتاری را با عمر خویش می‌پردازد.

چه آسان به دامت درافکند گیتی چه ارزان گرفت از تو عمر گران را



(اعتصامي، 1381: 55)

دنیا پر از خطر است. هر قدمی که آدمیزاد برمی‌دارد، تله و دام و بند بیداد می‌کند. و اینها همه از آن‌روست که دنیا بی‌باک و بی‌پرواست و با همین بی‌پروایی خطر می‌آفریند.

تله و دام و بند بسیار است
دهر، بی‌باک و چرخ بی‌پرواست

(اعتصامي، 1381: 70)

2 – 6 بی‌اعتباری دنیا

بیت زیر نیز بر بی‌اعتباری دنیا نظر دارد. آنچه دنیا به آدمیان می‌بخشد، حصّه ناچیزی بیش نیست. اما در مقابل آنچه می‌گیرد، بزرگ است و بسیار.

ز خوان جهان هر که را یک نواله
بدادند و آنگه ربودند خوان را

(اعتصامي، 1381: 55)

دنیا سست و بی‌اعتبار است و نمی‌توان به آن تکیه کرد. پروین در بیت زیر، شالوده دنیا و این جهان را بر آب دانسته است که به آسانی خراب می‌شود. از این‌رو تکیه کردن بر این جهان به سود خردمندان نیست.

شالوده کاخ جهان بر آب است
تا چشم به هم بر زنی خراب است

(اعتصامي، 1381: 71)

پروین در بیت زیر به بی‌اعتباری دنیا اشاره می‌کند. نباید به دوستی دنیا اعتماد کرد زیرا او پر از رنگ و ریاست. یک لحظه دوست است و لحظه‌ای دیگر دشمن.

تکیه بر دوستی دهر، مکن
که گهی دوست، دگر گاه عدوست

(اعتصامي، 1381: 88)

دنیا را اعتباری نیست. زیبایی‌هایش را نشان می‌دهد اما اجازه دست‌یابی به آنها را نمی‌دهد. دنیا روی خوش خود را به آدمیزاد نشان نمی‌دهد.

ز خرمن فلک ای دوست خوشه‌ای نبری
که غنچه و گل این باغ، بهر چیدن نیست

(اعتصامي، 1381: 100)

دنیا بی‌اعتبار است و نباید به آن دل بست. این سرا جاودانی نیست و ما در آن جاودان زندگی نخواهیم کرد. هم آن کس که شکسته است روزی می‌رود و همان کس که همه چیزش به قاعده و درست است.

شکستگی و درستی تفاوتی نکند
من و تو را چو در این بوستان قراری نیست

(اعتصامي، 1381: 103)

پروین در بیت زیر به بی‌اعتباری دنیا اشاره می‌کند که بی‌هیچ دلیلی کارهایش را پیش می‌برد و حساب و کتاب هیچ چیز برایش اهمیت ندارد.

هر چه کردیم ماه و سال، حساب
کار ایام را حساب نبود

(اعتصامي، 1381: 125)

2 – 7 پستی و بی‌ارزش بودن دنیا

پروین در بیت زیر، دنیا را خاکدان پست می‌داند. او با این تعبیر بر بی‌مقداری آنچه در دنیا است تأکید می‌کند و آنچه را باارزش است، در آن جهان می‌جوید.

اگر زین خاکدان پست روزی بر پری بینی
که گردون‌ها و گیتی‌هاست ملک آن جهانی را

(اعتصامي، 1381: 56)

پروین، دنیا را سفله و دون می‌داند که آدمی باید بکوشد که از آن فارغ شود و تا آن زمان که از آن فراغت نیافته‌ای، خردمندان تو را بخشنده نمی‌خوانند.

تا از جهان سفله نه‌ای فارغ
هرگز نخواند اهل خرد رادت

(اعتصامي، 1381: 60)



در بیت زیر نیز به پستی و سفله بودن دنیا اشاره می‌شود. دنیا کج‌مدار است و همواره باید از آن بیم داشت، زیرا چه بسیار بهارها که به دست او خزان نشده است.

ای دل فلک سفله کج‌مدار است
صد بیم خزان به هر بهار است
(اعتصامی، 1381: 73)

پروین در بیت زیر، دنیا را سفله و پست می‌داند و بر گذران بودن آن اشاره می‌کند. و آدمیان باید خوش باشند که این سرای سفله، می‌گذرد و بر ما جاودانی نیست.

خوشی نیافتم از روزگار سفله دمی
از آن خوشم که سپنجی‌ست، جاودانی نیست
(اعتصامی، 1381: 104)

پروین در بیت زیر دنیا را خاکدان پست می‌داند. و این خاکدان، خودش و همه دابستگی‌ها و متعلقاتش پست است و فرومایه. صاحب‌نظر کسی است که به آن نظر نکند و نیازی به آن نداشته باشد.

صاحب‌نظر کسی که در این پست خاکدان
دست از سر نیاز سوی این و آن نداشت
(اعتصامی، 1381: 109)

2- 8 دورنگی و دورویی دنیا

دنیا بوقلمون‌صفت است و متلون. هر لحظه به شکلی و به رنگی رخ می‌نماید و جلوه‌گری می‌کند. پروین در این بیت بر بی‌اعتباری دنیا نظر دارد.

روزیت دوست گشت و شبی دشمن
گاهی نژند کرد و گهی شادت
(اعتصامی، 1381: 60)

دنیا راه خویش را می‌رود و در پی برآوردن آرزو و کام کسی نیست. دنیا دو رو دارد. گاه با رفیق همراه است و گاه اکره و زشتی‌اش را نشانمان می‌دهد.

به مراد کسی زمانه نگشت
گاه رفقی و گاه اکره‌ی‌ست
(اعتصامی، 1381: 96)

پروین در بیت زیر از متلون بودن دنیا و رنگ و ریای آن می‌گوید که هر بار یک چهره‌اش را به آدمیان نشان می‌دهد. این بیت همچنین به جبرگرایی پروین نیز نظر دارد.

به کاخ دهر، که گه شیون است و گه شادی
به میل گر ننشینی، به جبر بنشانند
(اعتصامی، 1381: 122)

پروین در بیت زیر به دو رویی و مزاج متلون دنیا اشاره می‌کند که گاه شادی را رخ می‌نماید و گاه غم را نشان می‌دهد و شادی و غمش زودگذر است و زود رخت برمی‌بندد.

ز غم مباش غمین و مشو ز شادی شاد
که شادی و غم گیتی نمی‌کنند دوام
(اعتصامی، 1381: 153)

2- 9 فریبکاری دنیا

پروین دنیا را محلی می‌داند که هیچ راهی به امید ندارد اما در فریب را به روی آدمیان می‌گشاید. در این بیت بر فریبکاری دنیا تأکید شده است.

ای بس ره امید که بریستت
ای بس در فریب که بگشادت
(اعتصامی، 1381: 60)

دنیا پر از رنگ و ریاست و فریبکاری است. هر لحظه به شکلی درمی‌آید و هزار نیرنگ و فریب در چننه دارد، از این رو هیچ‌وقت نمی‌شود دنیا را شناخت.

نهفته در پس این لاجوردگون خیمه
هزار شعبده‌بازی، هزار عیاری‌ست
(اعتصامی، 1381: 91)

پروین در بیت زیر به دنیا و متعلقات دنیوی اشاره می‌کند. همه چیزهای دنیوی، سراسر فریب است زیرا که سرچشمه آن، دنیاست که معدن فریبکاری است.



هر آن قماش کز این کارگه برون آید تمام نقش فریب است، بود و تاری نیست

(اعتصامی، 1381: 103)

پروین در بیت زیر بر فریبکاری‌های دنیا اشاره می‌کند و از دام حیل‌هایی که بر گوشه‌گوشه این دنیا نشانده شده است.

دام فرید و کید در این دشت گر نبود این قصر کهنه، سقف جواهر نشان نبود

(اعتصامی، 1381: 108)

پروین در بیت زیر بر فریبکاری دنیا نظر دارد که همواره در پی فریب آدمیان است و هرگز روی خوش به ایشان نشان نخواهد داد.

ز نرد زندگی ایمن مشو که طاسک بخت هزار طاق پدید آرد از پی یک جفت

(اعتصامی، 1381: 112)

2 – 10 بی‌پروایی دنیا

دنیا بی‌هیچ ترس و پروا از کسی، می‌تازد و به یغما می‌برد. پروین در بیت زیر به بی‌پروایی دنیا اشاره کرده است و دنیا را، به تأثیر از گذشتگان، فلک تعبیر کرده است.

چه توان داشت جز این، چشم ز دهر چه توان کرد، فلک بی‌پرواست

(اعتصامی، 1381: 65)

دنیا پر از خطر است. هر قدمی که آدمیزاد برمی‌دارد، تله و دام و بند بیداد می‌کند. و اینها همه از آن‌روست که دنیا بی‌باک و بی‌پرواست و با همین بی‌پروایی خطر می‌آفریند.

تله و دام و بند بسیار است دهر، بی‌باک و چرخ بی‌پرواست

(اعتصامی، 1381: 70)

دنیا بی‌باک و بی‌پرواست و باید این را دانست و به آن واقف بود. او بدسر است و بدسری‌اش او را به بی‌باکی کشانده است.

از بدسری روزگار بی‌باک غمگین مشو ای دوست، روزگار است

(اعتصامی، 1381: 73)

2 – 11 خطرات دنیا

دنیا خطرناک است. پروین در بیت زیر به خطرناکی دنیا اشاره می‌کند و آدمیان را هشدار می‌دهد که هیچ‌گاه نمی‌توان از حملات این دنیا ایمن شد و همواره باید منتظر حمله و خطر او باشیم.

هرگز ایمن مشو که حمله چرخ گر ز امروز بگذرد فرداست

(اعتصامی، 1381: 70)

دنیاداران در معرض بلا و خطرند. هر آن کسی که در پی دنیاست، در راه خطر گام برداشته است و خود به این خطر آگاه نیست.

علامت خطر است این قباي خون‌آلود هر آنکه در ره هستی‌ست در ره خطری‌ست

(اعتصامی، 1381: 92)

پروین در بیت زیر، دنیا را نبردگاه دانسته است و در این تعبیر به آسیب‌ها و خطرات جهان اشاره می‌کند. در این نبردگاه، هر روز سیاهی‌های ناگهانی بر آدم آوار می‌شود.

کسی به مثل من اندر نبردگاه جهان سیاه روز بلاهای ناگهانی نیست

(اعتصامی، 1381: 104)

پروین در بیت زیر دنیا را پرتگاه جهان خوانده است و در این تعبیر به خطرات این دنیایی اشاره کرده است و بر تعلل و درنگ ورزیدن در سلوک این جهانی.

به خنده، پیر خردمند گفت تند مرو که پرتگاه جهان، جای بدعنانی نیست

(اعتصامی، 1381: 104)



پروین در بیت زیر، دنیا را پرتگه بی‌پایان دانسته است و در این تعبیر بر خطرات دنیا اشاره می‌کند. و چه بسیار کسانی که در این دنیایی که به پرتگه می‌ماند، نمی‌تواند خوب و درست قدم بردارد.

اندر این پرتگه بی‌پایان هیچ کس مرکب ر هوار نداشت

(اعتصامی، 1381: 107)

پروین در بیت زیر دنیا را خطرناک و مسکن دیوان می‌داند و در این تعبیر هم به دنیا و هم به دنیاداران اشاره می‌کند. چه اندکند عارفان و سالکانی که فریفته این سرای چار دیو نشدند و رستند.

کو عارفی کز آفت این چار دیو رست؟ کو سالکی که زحمت این هفتخوان نداشت؟

(اعتصامی، 1381: 108)

2 - 12 پوچی دنیا

پروین دنیا را همچون بیابانی دانسته که به هیچ آبی نمی‌رسد. این دنیا چیزهایی را نشانمان می‌دهد که نشانی از اصالت ندارد. دنیایی که سرشار از سراب‌ها و پوچی‌هاست.

ای تشنه مرو، کاندرا این بیابان گر یک سر آب است، صد سراب است

(اعتصامی، 1381: 71)

از نگاه پروین دنیا زیبا نیست و زیبایی‌ها را به بسیاری از آدمیان نشان نمی‌دهد. به چشم او در گلستان دنیا، یک گل یافت نمی‌شود و هر چه هست، خار و خس است.

در گلستان جهان، یک گل نیست هر کجا می‌نگرم، خار و خس است

(اعتصامی، 1381: 79)

2 - 13 غارتگری دنیا

دنیا به ناگهان می‌تازد و به یغما می‌برد. بی‌آنکه تو را خبر کند یا آماده‌ات سازد. پروین در بیت زیر از بی‌سلاحی و غارتگری ناگهان دنیا می‌گوید.

مردم‌کشی دهر، بی‌سلاح است غارتگری چرخ، ناگهان است

(اعتصامی، 1381: 80)

دنیا غارتگر و یغماگر و دزد و راهزن است. در این بیت پروین، دنیا را رهنی دانسته که به آهستگی و ذره‌ذره می‌دزد و می‌گیرد و از همین‌رو آدمی دیر دنیا و رهنی‌اش را می‌شناسد.

ذره ذره، هرچه بود از من گرفت دیر دانستم که گیتی رهن است

(اعتصامی، 1381: 86)

پروین در بیت زیر به یغماگری دنیا اشاره می‌کند و در این میان آنچه بیشتر از همه می‌دزد و می‌برد، وقت و عمر ماست. جهان، یغماگر بس آب و رنگ است

مرا هم چون تو وقت، ای دوست تنگ است

(اعتصامی، 1381: 291)

2 - 14 سوداگری دنیا

دنیا سوداگر و همیشه برنده است و دنیادار بازنده. دنیادار دل به دنیا می‌دهد و به خیالش با او بازی می‌کند اما هر که با دنیاست، بازنده می‌شود و این دنیاست که می‌برد.

ای که با چرخ همی بازی نرد بردن اینجا، همه را باختن است

(اعتصامی، 1381: 82)

دنیا سوداگر است و در این معامله تنها خود اوست که سود می‌برد. متاع دنیا که همه متعلقات دنیوی است برای گرم‌بازاری است و او هیچ چیز به کسی نمی‌دهد.

برو که فکرت این سودگر معامله نیست متاع او همه از بهر گرم‌بازاری است

(اعتصامی، 1381: 91)

دنیا در پی سود خویشتن است. نمی‌توان به مهر انصاف دنیا اعتمادی داشت. آدمیزاد را گاه ارزان می‌فروشد و گاه گران و همواره به فکر فروختن و سود کردن است.



- گهی گران بفروشندهان و گه ارزان
به نرخ سودگر دهر، اعتباری نیست
(اعتصامی، 1381: 103)
- پروین در بیت زیر به سوداگری دنیا اشاره می‌کند که همواره در پی سود و منفعت است و خوشان آن کسی که دل به این
دنیای سوداگر نداد و نه از سود و نه ضرر آن آگاه نشد.
هرکه شاگردی سوداگر گیتی نکند
هرگز آگاه نه از نفع و نه از ضرر گردد
(اعتصامی، 1381: 115)
- پروین در بیت زیر به سوداگری دنیا اشاره می‌کند که همواره در پی سود است و آن کسی که به دنیا و متعلقات آن التفات
ندارد، نه سیامروزی را از دنیا می‌بیند و نه بدنامی را.
کسی که بر سر نرد جهان قمار نکرد
سیامروزی و بدنامی اختیار نکرد
(اعتصامی، 1381: 117)
- پروین در بیت زیر از سوداگری دنیا می‌گوید که همواره در پی سود است و در این میان آنچه زیان است نصیب دنیاداران
می‌شود.
زیان را تو برداشتی، سود را چرخ
شگفتی‌ست این گونه بازارگانی
(اعتصامی، 1381: 201)
- 2 – 15 خونریزی و خونخواری دنیا
دنیا خون‌ریز است. به دنیادارانی که دل به دنیا بسته‌اند، می‌تازد و از این‌رو هر صبح و شام، دامنش از خون این‌ها رنگین
است.
از خون صد هزار چو ما طایر ضعیف
هر صبح و شام، دامن گیتی ملون است
(اعتصامی، 1381: 83)
- دنیا خون‌ریز است و با نیشتری که همواره در دست دارد، خون بسیاری را ریخته است و نوبت خون ریختن همه دنیاداران
روزی فرا می‌رسد.
بریخت خون من و نوبت تو نیز رسد
به دست رهن گیتی همواره نیشتری‌ست
(اعتصامی، 1381: 92)
- پروین در بیت زیر به خونخواری دنیا اشاره می‌کند که همواره همین بوده و هست. و در این میان دنیاداران را خطر و
ابتلای بیشتری هست.
دور جهان، خونی خون‌خوار هاست
محکمه نیک و بد کار هاست
(اعتصامی، 1381: 303)
- 2 – 16 بخل دنیا
دنیا بخیل و پست است. او به رایگان چیزی به آدمیان نمی‌بخشد. هیچ مهری در دل دنیا نیست و شفقت و دلسوزی را
در نمی‌یابد.
این همه بخل چرا کرد، مگر
من چه می‌خواستم از گیتی پست؟
(اعتصامی، 1381: 87)
- 2 – 17 قدرت دنیا
دنیا پر زور است و نمی‌توان با دنیا نبرد و پیکار کرد. هیچ هم‌واردی برای دنیا نیست و آدمی را یارای نبرد با دنیا نیست.
پی کارهایی که گوید برو
تو را با فلک، دست پیکار نیست
(اعتصامی، 1381: 96)
- پروین در بیت زیر به قدرت دنیا اشاره می‌کند که هیچ‌کس را یارای گستاخی با او نیست و نمی‌توان در مقابل این دنیای
غدار قد علم کرد.
نتوان بود با فلک گستاخ
نتوان کرد بهر گیتی ناز
(اعتصامی، 1381: 148)



پروین در بیت زیر از قدرت دنیا می‌گوید به اشاره به ستمکاری دنیا و کج‌مداری او اشاره می‌کند که هیچ‌کس را یارای مقابله با دنیا نیست.

جفای گیتی و کج‌گردی سپهر بلند
اگرچه توسنی، آخر تو را نماید رام
(اعتصامی، 1381: 153)

2- 18 ستم و جفاکاری دنیا

پروین دنیا را خانه‌ی زمانه دانسته و از خرابی آن گفته است. جفاکار است و هیچ آدمیزادی از جفای دنیا ایمن نیست. چه کنم، خانه‌ی زمانه خراب

که دلی از جفاش ایمن نیست
(اعتصامی، 1381: 102)

پروین در بیت زیر از ستم و جفاکاری دنیا می‌گوید و بنای دنیا را ستم می‌داند. او همچنین در این بیت تقدیرگرایی خود را آشکار می‌کند.

بنای محکمه‌ی روزگار، بر ستم است
قضا چو حکم نویسد، چه داوری چه گواه
(اعتصامی، 1381: 184)

2- 19 جبر دنیا

پروین در بیت زیر از جبر می‌گوید. از اینکه آدمیان در برابر دنیا هیچ اختیاری ندارند. دنیا به واسطه‌ی جبر خود، هر آنچه می‌خواهد می‌کند.

هر آنچه می‌کند، ایام می‌کند با ما
به دست هیچ‌کس ای دوست، اختیاری نیست
(اعتصامی، 1381: 103)

پروین در ابیات بسیاری، تقدیرگرایی و باورش به جبر را نشان می‌دهد. او همه‌ی آنچه را که بر ما در این دنیا می‌گذرد، برآمد از تقدیر و قضا و قدر می‌داند.

چو بنگری، همه سر رشته‌ها به دست قضاست
ره گریز، ز تقدیر آسمانی نیست
(اعتصامی، 1381: 104)

پروین در بیت زیر از باور به جبر تقدیرگرایی را نشان می‌دهد و از این می‌گوید که همه سیه‌روزی‌ها و نابسامانی‌ها را دنیا بر ما فراهم می‌آورد و ما را اختیاری نیست.

من سیه‌روز نبودم ز ازل
هر چه کرد، این فلک اخضر کرد
(اعتصامی، 1381: 116)

2- 20 ناهمواری دنیا

پروین در بیت زیر از پستی‌ها و بلندی‌های دنیا می‌گوید. از اینکه همواره روی واحدی به ما نشان نمی‌دهد و گاه خوبی رخ می‌نماید و گاه بدی را نشان می‌دهد.

کار گیتی همه ناهمواری‌ست
این گذرگه ره هموار نداشت
(اعتصامی، 1381: 106)

2- 21 خرابی دنیا

پروین در بیت زیر دنیا را خراب‌آباد می‌داند که هر آن کوششی که معمار معرفت برای اصلاح و آبادی و آبادانی کوشید، این خراب‌آباد، رنگ و روی آبادی به خود ندید.

هر چه معمار معرفت کوشید
نشد آباد این خراب‌آباد
(اعتصامی، 1381: 112)

2- 22 پابرجایی دنیا

پروین در بیت زیر از برقراری دنیا می‌گوید که بر جای خود ایستاده است و این آدمیان هستند که کم می‌شوند و می‌روند. دهر برجاست، تو ناگاه شوی زان کم

چرخ برپاست، تو یک روز شوی وارون
(اعتصامی، 1381: 182)

3- دنیاداری و ویژگی‌های دنیاداران در شعر پروین اعتصامی



3 – 1 آ ز دنياداران

پروين در بيت زير به دنياداري اشاره مي‌کند و دنيا را مهمانخانه آ ز و هوا و دنياداران را لاشخوران خوانده و دنيا به اين لاشخوران هيچ چيز جز لاشه نمي‌دهد.

به مهمانخانه آ ز و هوا جز لاشه چيزي نيست
براي لاشخوران واگذار اين ميهامي را
(اعتصامي، 1381: 57)

پروين دنياداران را، شبان آ ز خوانده که هيچ کاري به پرهيز ندارد و همچون گرگ‌ها و به صفت گرگ‌ها در پي بردن و دريدن هستند.

شبان آ ز را با گلّه پرهيز انسي نيست
به گرگي ناگهان خواهد بدل کردن شباني را
(اعتصامي، 1381: 58)

بيت زير به دنياداران اشاره دارد و هميشه خواهان آ ز و هوا و هوس خود هستند و هيچ‌گاه به داشته‌هاي خود قناعت نمي‌کنند.

ما به ره آ ز و هوا سائليم
مورچه در خانه خود پادشاست
(اعتصامي، 1381: 61)

پروين در بيت زير دنياداران را گرفتار آ ز مي‌داند. و اين آزمندان تيرمدرون همواره در پي لاشه‌ها هستند و بر سر اين لاشه‌ها با دنياداران ديگر هاي و هو مي‌کنند.

ز فرط آ ز، چو مردارخوار تيرمدرون
هماره بر سر اين لاشه، هاي و هو کرديم
(اعتصامي، 1381: 161)

پروين در بيت زير به ويژگي آ ز که از مهم‌ترين ويژگي‌هاي دنياداران است اشاره مي‌کند. ايشان درس آ ز را آموخته‌اند و در پي اين آموختن مدام تن را پرورده‌اند و از روح غافل بوده‌اند.

درس آ ز آموختي و ره زدي
وام تن پذرفتي و مديون شدي
(اعتصامي، 1381: 186)

پروين در بيت زير به آ ز و هوای دنياداران اشاره مي‌کند که هر نقصاني که اسير دنيادار مي‌شود، برآمده از آ ز و هوا و هوس اوست.

جامه رنگين ما آ ز و هواست
هر چه بر ما مي‌رسد از آ ز ماست
(اعتصامي، 1381: 282)

3 – 2 خودپرستي دنياداران

دنيادار خودپرست است و تنها به خود مي‌اندیشد. او در پي خدمت کردن و برداشتن باري از روی دوش ديگران نيست. فکر مداوم و دائم او به خويشتن، دنيا را براي او کوچک و محدود به خود او کرده است.

به خدمت دگران دل چگونه خواهد داد
کسي که همچو تو دايم به فکر خويشتن است
(اعتصامي، 1381: 85)

پروين در بيت زير به يکي از مهم‌ترين خصيصه‌هاي دنياداران اشاره مي‌کند و اين خصيصه، خودپرستي و پيروي از هوای نفس است که حتي از ديوپرستي نيز نکوهيده‌تر است.

هوای نفس چو ديوي ست تيره‌دل، پروين
بتر ز ديوپرستي ست، خود پرستيدن
(اعتصامي، 1381: 176)

3 – 3 غفلت دنياداران

دنياداران چنان به کار خود مشغولند و با دلبستگي‌هاي دنياي سرگرم شده‌اند که هيچ متوجه گذر عمر و رفتن روزها و شب‌ها نمي‌شوند. دنياداران به چيزهاي دنياي درست مي‌کنند و از حقيقت زندگي غافل مي‌شوند.

بس رفو کردم، ندانستم که عمر
صدهزارش پارگي بر دامن است
(اعتصامي، 1381: 86)

3 – 4 بي‌مهري دنياداران



بیت زیر اشاره‌ای به دنیاداران. این بیت برگرفته از یکی از قصه‌های منظوم پروین است. دختری که پدرش را از دست می‌دهد. پدر او می‌میرد در حالی که دنیاداران ضعف و ناتوانی او را می‌دیدند اما دنیادار بویی از مهربانی و یاری نبرده است.

پدرم مرد ز بی‌دارویی و ندر این کوی سه داروگر هست

(اعتصامی، 1381: 87)

تا مرا دید، در خانه بیست

(اعتصامی، 1381: 87)

بیت زیر در نکوهش دنیاداران است. دنیاداران بی‌مهر چنان به خود مشغولند که هیچ مهری از دیگران در دل ندارند و سختی‌هایی را که بر دیگران می‌گذرد، نمی‌بینند.

از آن به سوختن ما دلت نمی‌سوزد کزین سموم، هنوزت به جان شراری نیست

(اعتصامی، 1381: 103)

3 – 5 گرفتاری دنیاداران

بیت زیر اشاره‌ای است به دنیاداران. دنیا به پای دنیاداران رشته‌ای می‌افکند و دنیاداران گرفتار دنیا می‌شوند، بی‌آنکه خود از این اسارت و گرفتاری آگاه باشند.

به پات رشته فکنده‌ست روزگار و هنوز نه آگهی تو که این رشته گرفتاری‌ست

(اعتصامی، 1381: 91)

بیت زیر به دنیادارانی اشاره می‌کند که گرفتارند و غرق خویش و محدودیت‌های خویش‌اند. آنها چنان حصار را بر گرد خویش و تعلقات دنیوی خویش کشیده‌اند که هیچ راه‌هایی برای ایشان وجود ندارد.

اگر ز آب گریزی به خشکی‌ات بزند از این حصار کسی را ره رهیدن نیست

(اعتصامی، 1381: 100)

بیت زیر خطاب به دنیاداران است. پروین دنیاداران را حصاریان قضا خوانده است. آنان نیز روزی رنج و چپاول دنیا گرفتار می‌شوند و هیچ راه فراری برایشان نخواهد ماند.

تو نیز همچو من آخر شکسته خواهی شد حصاریان قضا را ره فراری نیست

(اعتصامی، 1381: 103)

پروین در بیت زیر دنیاداران را اسیر و گرفتار اهرمن خام‌فریب می‌داند که آنها را با قدری مال فریب می‌دهد و به دنبال خویش می‌کشاند.

دید چون خامی ما، اهرمن خام‌فریب ریخت در دامن ما درهم دیناری چند

(اعتصامی، 1381: 120)

3 – 6 زیان کردن دنیاداران

دنیاداران دنیا و خصیصه‌های دنیا را نمی‌شناسند. آنان بار متعلقات دنیوی را بر دوش خویش می‌کشند و نمی‌دانند که هیچ سودی از گران‌باری نصیبشان نخواهد شد.

به خیره بار گران زمانه چند کشی؟ تو را چه مزد به پاداش این گران‌باری‌ست؟

(اعتصامی، 1381: 91)

3 – 7 غفلت و ناآگاهی دنیاداران

پروین در بیت زیر تعریضی به دنیاداران دارد. او دنیا را کمین‌گاه می‌داند. دنیا در کمین دنیاداران نشسته است و از غفلت ایشان استفاده می‌کند تا به آنها بتازد.

تو عسس باش و دزد خود بشناس که جهان، هر طرف کمین‌گاهی‌ست

(اعتصامی، 1381: 96)

پروین در بیت زیر، دنیا را کارگاه چرخ پیر دانسته است و از غفلت و ناآگاهی می‌گوید. دنیاداران در این کارگاه با رنج فراوان بر سر دنیا و متعلقات دنیایی به سر می‌برند و آنگاه به این رنج و مشقت آگاه می‌شوند که کار گذشته است.



بسی به کار که چرخ پیر بر دم رنج

که شکستگی آگه شدم که کاری نیست
(اعتصامی، 1381: 103)

3 – 8 خودخواهی دنیاداران

بیت زیر به خودخواهی دنیاداران اشاره می‌کند. خودخواهی از مهم‌ترین ویژگی دنیاداران است. آنها همواره در پی خویشتن و سود خویشتن‌اند.

چه عجب گر که سود خود خواهد

همچو ما، نفس نیز خودخواهی‌ست
(اعتصامی، 1381: 96)

3 – 9 سوداگری دنیاداران

بیت زیر در نکوهش دنیا و دنیاداران است. آنها که مدام در پی تاختن و غارت کردن و سوداگری‌اند. در فکر خویش‌اند و در فکر سود و منفعت خویشتن.

چنان نهفته و آهسته می‌نهند این دام

که هیچ فرصت ترسیدن و رمیدن نیست
(اعتصامی، 1381: 100)

پروین در بیت به دنیاداران اشاره می‌کند که درگیرند با عجب و طمع و فساد و سوداگری و هیچ از گذر عمر آگاه نمی‌شوند. سودمان، عجب و طمع، دکه و سرمایه، فساد

آه از آن لحظه که آیند خریداری چند

(اعتصامی، 1381: 119)

پروین در بیت زیر از سوداگری دنیاداران می‌گوید و دورویی و ریای ایشان که همواره بدان مشغول‌اند، بی‌آنکه بهره‌ای از فریبکاری‌ها ببرند.

چه نصیبیت رسد از کشت دورویی و ریا

چه بود بهره‌ات از کیسه طرّاری چند؟
(اعتصامی، 1381: 119)

پروین در بیت زیر از سوداگری دنیاداران می‌گوید و به این اشاره می‌کند که تا آن زمان که به دنبال سوداگری هستیم، همواره گرفتار ضرر و سودهای دنیایی خواهیم شد.

تا به بازار جهان سوداگریم

گاه سود و گاه زیان می‌آوریم
(اعتصامی، 1381: 161)

3 – 10 مستی و ناهوشیاری دنیاداران

پروین در بیت زیر به دنیاداران اشاره می‌کند. آنها چنان مست دنیا و متعلقات دنیوی هستند که دنیا برایشان خانه خمار است و آنها در این خانه، همه هوش و حواسشان را از دست داده‌اند.

دهر جز خانه خمار نبود

زانکه یک مردم هشیار نداشت
(اعتصامی، 1381: 107)

3 – 11 حرص دنیاداران

پروین در بیت زیر از حرص و خودبینی غفلت دنیاداران می‌گوید که با این صفات همواره در پی به دست آوردن دنیا و وابستگی‌های دنیوی‌اند.

حرص و خودبینی و غفلت ز تو ناهار ترند

چه روی از پی نان بر در ناهاری چند
(اعتصامی، 1381: 120)

3 – 12 بدنمایی و ظلم دنیاداران

پروین در بیت زیر، توانگران را مترادف با دنیاداران دانسته و آنها را به سبب دنیادوستی بدنم و ظالم و بیدادگر می‌داند. هزار مرتبه، فقر از توانگری خوش‌تر

توانگران همه بدنم ظلم و بیدادند

(اعتصامی، 1381: 121)

پروین حکام ظالم را دنیاداران می‌داند که از انصاف به دورند و با ظلم خویش در سیاه کردن گیتی و خوبی‌ها می‌کوشند. و باید همواره احوال حاکمان دنیادار را نظاره و رصد کرد تا مبدا با بی‌انصافی‌هایشان ظلم‌ها کنند.

اگر به دفتر حگام ننگری یک روز

هزار دفتر انصاف را سیاه کنند



(اعتصامي، 1381: 124)

پروین در بیت زیر به ستمکاری و ظلم دنیاداران اشاره می‌کند که هیچ مهر و شفقتی در دل ندارند و همواره در پی نان دیگران و یغماگری هستند.

چو زورمند شدید از دهان مسکینان

به جبر، لقمه ربودیم و در گلو کردیم

(اعتصامي، 1381: 161)

3 – 13 هوس‌بازی دنیاداران

پروین در بیت زیر از هوا و هوس دنیاداران می‌گوید که به دنبال خودپرستی‌اند و در پی هوا و هوس نفس خودپرست خویش به هر جا می‌روند و آرام و قرار نمی‌گیرند.

پی هوا و هوس، نوع خودپرست شما

سحر به بصره و هنگام شب به بغدادند

(اعتصامي، 1381: 121)

پروین در بیت زیر به هوس‌بازی دنیاداران اشاره می‌کند و همین هوا و هوس و نظربازی ایشان را دلیل گرفتاری و غرق شدن ایشان در احوال دنیایی می‌داند.

دو روزه بود هوس‌رانی نظربازان

همین بس است که منظور باغبان شده‌ایم

(اعتصامي، 1381: 159)

3 – 14 جهل و نادانی دنیاداران

پروین در بیت زیر دنیاداران را نادان و جاهل می‌داند، از آن رو که دلبسته دنیا و گرفتار دنیایند. دنیاداران زیرک نیستند زیرا همین عدم فراست و تیزهوشی است که آنها را پایبند زندان دنیا کرده است.

نه عاقلند، از آن دستگیر ایامند

نه زیرکند، از آن پایبند زندانند

(اعتصامي، 1381: 122)

3 – 15 بددلی و پستی دنیاداران

پروین در بیت زیر از دنیاداران می‌گوید و به بددلی و فکرت پست ایشان اشاره می‌کند. و همین خصیصه‌های ایشان است که مردم را از دنیاداران دور می‌کند و آنها هیچ دوستداری ندارند.

جز بددلی و فکرت پستت، چه خصلتی‌ست

از مردم زمانه، تو را کیست دوستدار؟

(اعتصامي، 1381: 138)

3 – 16 فریبکاری دنیاداران

پروین در بیت زیر به فتنه‌گری دنیاداران اشاره می‌کند که مدام به دنبال فریب و فریبکاری‌اند اما دنیا از دنیاداران فتنه‌جو تر و فریبکارتر است.

ایمن مشو ز فتنه، چو خود فتنه می‌کنی

گر چیره‌ای تو، چیرمتر است از تو روزگار

(اعتصامي، 1381: 138)

3 – 17 ظاهر بینی دنیاداران

پروین در بیت زیر به خصیصه ظاهر بینی دنیاداران اشاره می‌کند که چنان در قید و بند ظواهر گرفتار آمده‌اند که دیگران نیز با همین ظواهر می‌سنجند.

به نیک‌جامه چو بی‌دانشی مناز که خلق

تو را، نه جامه نیک تو را، کنند اکرام

(اعتصامي، 1381: 154)

3 – 18 فساد مالی دنیاداران

پروین به فساد مالی دنیاداران اشاره می‌کند که همین فساد، خصیصه‌های والای انسانی را در وجود ایشان می‌خشکاند.

ز رشوه، اسب خریدیم و خانه و ده و باغ

به اشک بیوه‌زنان حفظ آبرو کردیم

(اعتصامي، 1381: 161)

3 – 19 تن‌پروری دنیاداران



در بیت زیر سخن از تن پروری دنیاداران است. آنها چنان به پرواز کردن تن مشغول اند که روح و ویژگی های انسانی شان کم کم رو به زوال می رود.

روح را از ناشتایی می کشیم
سفرها از بهر تن می گستریم
(اعتصامی، 1381: 161)

پروین در بیت زیر از تن پروری دنیاداران می گوید که آنچنان به تن مشغول اند که جان را رها کرده اند و آنچنان اسیر ظواهر شده اند که اصالت را از یاد برده اند.

جان رها کردیم و در فکر تنیم
تن بمرود در غم پیراهنیم
(اعتصامی، 1381: 282)

3 – 20 عیبجویی دنیاداران

پروین در بیت زیر به عیبجویی دنیاداران اشاره می کند. این گروه چنان چشم به عیب مردم دوخته اند که عیب خود را نمی بینند و از آن غافل اند.

آگه از عیب عیان خود نه ایم
پرده های عیب مردم می دریم
(اعتصامی، 1381: 161)

نتیجه گیری

مطالعه دیوان پروین اعتصامی نشان می دهد که اشعار او مشحون از حزن و اندوه و تأسف وی بر دنیا و ناپایداری دنیاست. البته این گفتار به این معنا نیست که ما او را شاعری ناامید و رویگردان از دنیا بدانیم، بلکه این تأسف و اندوه برآمده از نوعی آگاهی و اشراف او بر نفس و خویشتن است.

پروین اعتصامی در شعرهایش نشان می دهد که آگاهانه و با تسلط بر نفس، بر ظواهر دنیایی بی اعتناست و بی توجه به دنیا و تعلقات دنیوی، راه خویش را می رود.

در این مقاله تلقی پروین اعتصامی از «دنیا» را در 22 مؤلفه بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که پروین بیش از هر چیز به «بی مهری دنیا» تأکید دارد و این بی مهری را در ابیات بسیاری نشان داده است. تجربه زیسته پروین نیز نشان می دهد که او روی بی مهری این دنیا را بیشتر از مهر دیده و درک کرده است.

همچنین در این مقاله «دنیاداری» و جلوه «دنیاداری» در شعر پروین را در 20 مؤلفه بررسی کردیم. نتایج این بررسی نشان می دهد که «آز دنیاداران» بالاترین بسامد را در میان خصیصه های گوناگون دنیاداران، داراست. از نگاه پروین، زیاده خواهی و آز است که آدمی را به سمت دنیا می کشاند و او را به دنیا و متعلقات دنیایی وابسته می کند.

منابع و مأخذ

- اعتصامی، پروین (1381). دیوان اشعار پروین اعتصامی. به کوشش حسن احمدی گیوی. چاپ ششم. تهران: قطره.
دهخدا، علی اکبر (1377). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
شجاعی زند، علیرضا (1392). دین و دنیا: بررسی نگرش های متفاوت ادیان به دنیا. فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز. دوره سیزدهم. شماره اول. پیاپی 46. صفحات 85-118.
شمیسا، سیروس (1383). انواع ادبی. تهران: انتشارات فردوس.
صدراپی، رقیه (1395). تحلیل آموزه های تعلیمی در بررسی بینامتنی دو اثر (پروین اعتصامی و انوری). پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. سال هشتم. شماره 29. صص 153-170.

غزالی، زین العابدین ابوحامد محمد (1355). کیمیای سعادت. چاپ هفتم. تهران: کتابخانه مرکزی.
فخر الاسلام، بتول (1385). بن مایه های قصاید پروین اعتصامی. فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد. شماره 11 و 12. صص 80-91.



قبادی، علیرضا و ابوترابی، روفیا (1387). زیست جهان پروین اعتصامی. نشریه فرهنگ مردم/ایران. شماره 14. صص 29-47.

موحد، ضیا (1377). شعر و شناخت. تهران: مروارید.
یوسفی، غلامحسین (1358). چشمه روشن. تهران: علمی.